

فمینیسم و زیبایی شناسی

زن در تحلیل ها و دیدگاه های زیبایی شناختی

نویسنده:

کارولین کروس میر

مترجم:

افشنگ مقصودی



نشر گل آذین

۱۳۸۷

سرشناسه: کورس مایر، کارولین. (Korameyer, Carolyn) ۱۹۵۰ -
 عنوان و پدیدآور: فمینیسم و زیبایی شناسی / نویسنده کارولین کرس میر؛
 مترجم افشنگ مقصودی. (۱۳۳۵ -)
 عنوان قرعی: زن در تحلیل ها و دیدگاه های زیبایی شناختی
 مشخصات نشر: تهران: گل آذین، ۱۳۸۶.
 مشخصات: ۳۴۰ ص.
 شابک: ۶-۳۷-۷۷۰۳-۹۶۴-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه، نمایه، ص. ع. به انگلیسی:
 Gender and aesthetics: an introduction, 2004
 موضوع: فمینیسم و نقاشی. زنان در هنر.
 موضوع: فمینیسم - نگرش ها. هنر ها - فلسفه.
 رده بندی کنگره: ۱۳۸۶ ق ۸ / ۷۷۲
 رده بندی دبیری: ۷۰۰ / ۱۰۳۰۸۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۷۱۰۷۷



نشر گل آذین

■ فمینیسم و زیبایی شناسی ■
 ■ زن در تحلیل ها و دیدگاه های زیبایی شناختی ■

نویسنده: کارولین کرس میر

مترجم: افشنگ مقصودی

چاپ اول: ۱۳۸۷

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

حروف نگاری و صفحه آرایی: کارگاه نشر گل آذین

لیتوگرافی و چاپ و صحافی:

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات

ISBN 978 - 964 - 7703 - 37 - 6

E-mail: GOL_AZIN @ YAHOO.COM

WWW.iketab.com

آدرس: تهران: ص. پ. ۱۵۸۱ - ۱۶۳۱۵ تلفن ۶۶۹۷۰۸۱۶ تلفکس: ۶۶۹۷۰۸۱۷

فهرست

۹	فهرست نگاره‌ها [تابلوهای نقاشی]
۱۱	در باره‌ی کتاب
۱۳	پیش‌گفتار
۳۱	۱. هنرمندان و هنر:
۳۱	تاریخچه کوتاهی از مفهوم‌ها
۳۳	بنیادهای مفهومی
۴۰	ایده هنرمند: پیشینیان باستانی
۴۵	تقلیدگری پندار و واقعیت
۴۹	در اندیشه آفرینندگی فرورفتن
۵۴	ساخت هنر: تکی و گروهی
۵۹	هنرهای زیبا و انگاشت امروزین از هنرمند
۶۶	نبوغ (توانایی سرشتی)
۷۱	تئوری‌های بیان در هنر
۷۷	چکیده

۸۱	۲. خوشی‌های زیبایی‌شناختی
۸۲	زیبایی‌شناختی
۸۷	ذوق و پسند و زیبایی
۹۱	دیدگاه برک درباره‌ی زیبایی
۹۵	دیدگاه کانت درباره‌ی داوری‌های زیبایی‌شناختی
۹۹	ذوق و پسند چه کسی؟
۱۰۴	تئوری‌های رفتار زیبایی‌شناسانه
۱۰۹	خرده‌گیری فمینیست‌ها از پیش زیبایی‌شناختی
۱۲۱	چکیده
۱۲۳	۳. آماتورها و حرفه‌ای‌ها
۱۲۴	آموزش و پرورش: چه کسی می‌آموزد؟
۱۲۷	موسیقی
۱۲۹	برگزاری موسیقی
۱۳۴	آهنگ‌سازی
۱۳۶	نبوغ و ذهن‌گرایی
۱۴۱	ادبیات
۱۴۶	نوشتن و فروختن
۱۴۹	باز هم ذهن‌گرایی
۱۵۱	نگارگری (نقاشی)
۱۵۳	دیدن
۱۵۷	ژرف‌نمایی خطی

بازنگری گذشته	۱۶۴
چکیده	۱۶۶
۴. جنسیت‌گرایی پنهان	
خوراک و بازشناسی زیبایی	۱۶۹
حس‌های پنج‌گانه	۱۷۲
خوشی حسی و زیبایی‌شناختی	۱۷۹
نگرش درونی و بیرونی	۱۸۵
در پشتیبانی از حس چشایی	۱۹۱
خوراک همچون هنر	۱۹۶
آیا آشپزی فرمی هنری است؟	۱۹۶
خوراک چون هنر	۲۰۰
خوراک به سان ابزاری هنری	۲۰۲
چکیده	۲۰۵
۵. هنر چیست؟	
تعریف‌ها و زمینه‌های آن	۲۱۷
هنر و ضد هنر	۲۲۵
تئوری نهادین	۲۲۸
هنر به سان آینه: آرتور دانتو	۲۳۱
هنر فمینیستی و دگرگونی انگاشت‌های هنری	۲۳۴
رسانه‌ی هنری و پیام: پارچه و خوراک	۲۳۸

۲۴۵	 اندام هنرمندان
۲۵۲	 چکیده
۲۵۵	 ۶. خوشی‌های دشوار:
۲۵۵	 والایی و بیزاری
۲۵۸	 بازبینی ذهن و بدن
۲۶۲	 باز هم والایی
۲۷۶	 لوسی آیریگاری: بازگویی ذهن زنانه
۲۸۳	 بیزاری همچون واکنشی زیبایی‌شناسانه
۲۸۸	 بیزاری و یگانگی با مادر: جولیا کریستوا
۲۹۴	 بیزاری: متن و چندمعنایی آن
۲۹۸	 چکیده
۳۰۱	 واژه‌نامه (انگلیسی به فارسی)
۳۱۱	 واژه‌نامه (فارسی به انگلیسی)
۳۲۱	 نمایه
۳۲۵	 کتاب‌شناسی

فهرست نگاره‌ها

نگاره ۱ (ص ۵۶). حرف Q [کیو] تذهیب شده که به نام کلاریسیا امضاء شده و از سروده‌های دینی آلمانی از سرزمین آگسبرگ، در سال‌های واپسین سده دوازدهم.

نگاره ۲ (ص ۷۴). جودیت لیستر،^۱ ساز و آواز دلدادۀ (در زیر پنجره دلدار خود) ۱۶۲۹.

نگاره ۳ (ص ۸۸). ویلیام هوگارت^۲، «خط زیبایی» بخشی از دنباله‌ی لوحه‌ی شماره یک، کندوکاو در زیبایی، ۱۷۵۳.

نگاره ۴ (ص ۱۱۰). جان لئون ژروم^۳، بازار برده‌فروشی رومی، ۱۸۸۴. موزه هنری والترز، بالتیمور.

نگاره ۵ (ص ۱۱۶). آرتمیسیا جنتیلسکی^۴، سوزانا و بزرگتران. ۱۶۱۰. کلکسیون شُن‌بُرن، آلمان (عکس از ماربرگ / آرت ریسورس، نیویورک).

1 . Judith Leyster.

2 . Hogarth.

3 . Jean - Léon Gérôme.

4 . Artemisia Gentileschi.

نگاره ۶ (ص ۱۵۴). جان زُفنی^۱، استادان فرهنگستان پادشاهی هنر، ۲-۱۷۷۱، کلکسیون پادشاهی، ملکه الیزابت دوم.

نگاره ۷ (ص ۱۸۲). پل گوگن، دوزن از تاهیتی. موزه هنر متروپولیتن، نیویورک، هدیه ویلیام چرچ اُسبورن.

نگاره ۸ (ص ۲۱۰). جوآنا اِستریک^۲، وانیتاس، پیراهن گوشتین برای یک بی‌اشتهای زال تن^۳، ۱۹۸۷. از کلکسیون خود هنرمند.

نگاره ۹ (ص ۲۳۶). نانسی اسپرو^۴، پیکره‌های مصری، اکروبات، رقص، ۱۹۸۸.

نگاره ۱۰ (ص ۲۴۵). آنا مندیتا^۵، سیلوانا در آیواکار می‌کند، ۱۹۷۸/۱۹۹۱ - ۱۹۷۶. به لطف نهاد نگه‌دارنده دارایی‌های آنا مندیتا و گالری لیلانگ، نیویورک.

نگاره ۱۱ (ص ۲۴۴). سیندی شِرمَن^۶، بی‌نام به شماره ۲۲۴، ۱۹۹۰. به لطف هنرمند و نهاد مترو پیکچرز.

1 . Johann Zoffany.

2 . Jana Sterbak.

3 . Albino.

4 . Nancy Spero.

5 . Ana Mendieta.

6 . Cindy Sherman.

درباره‌ی کتاب

رویکرد فمینیست‌ها به هنر بسیار اثرگذار بوده و در رشته‌های گوناگونی مانند تئوری هنر، پژوهش‌های فرهنگی و دیداری و فلسفه بررسی شده است. کتاب فمینیسم و زیبایی‌شناسی، برای نخستین بار به شناخت و بررسی موشکافانه نقشی که جنسیت در شکل‌گیری ایده‌های فلسفی درباره هنر بازی می‌کند، می‌پردازد. در این کتاب درباره موضوع‌های مهم زیبایی‌شناسی فمینیستی گفتگو می‌شود:

- چرا در گذشته شمار زنان هنرمند این چنین اندک بوده است؟
- هنر، خوشی^۱ دریافته و زیبایی.
- نقش جنسیت در ذوق و پسند^۲ و خوراک.
- هنر چیست و چه چیز هنرمند را می‌سازد؟
- بیزاری^۳، والایی^۴ و زیبایی‌شناسی.
- بدن و ذهن‌گرایی^۵.

1 . pleasure.

2 . taste.

3 . disgust.

4 . sublimity.

5 . subjectivity.

در این کتاب با زبانی روشن به نقشی که جنسیت در دریافت ما از هنر، آفرینندگی و ویژگی‌های زیبایی‌شناختی بازی می‌کند پرداخته می‌شود. فلسفه‌های پیشین، برای اثرگذاری‌شان در انگاشت زیبایی‌شناسی به شیوه‌های جنس‌گرایانه؛ بررسی می‌شوند؛ و تئوری‌پردازان امروزمندان آرتور دانتو^۱ و لوسی آیریگاری^۲ در پیوند با رویه‌های هنر فمینیستی قرار گرفته‌اند. هر بخش با چکیده‌ای به پایان می‌رسد و کتاب‌شناسی گسترده‌ای نیز به دنبال می‌آید.

سبک نویسندگی کارولین کُرس میر^۳ خوشایند و دریافتنی است، و کتاب را برای دانشجویان در رشته‌های فلسفه، پژوهش درباره‌ی جنسیت، بررسی‌های دیداری^۴، تئوری هنری و هر کس که به اثرگذاری جنسیت در زیبایی‌شناسی دلبستگی داشته باشد، درخور و شایسته می‌سازد. کارولین کُرس میر استاد فلسفه در دانشگاه بوفالو، دانشگاه دولتی نیویورک است. او نویسنده کتاب دریافت ذوق و پسند^۵ (۱۹۹۹) و ویراستار چند کتاب درباره زیبایی‌شناسی، فمینیسم و تئوری ادبی است.

1 . Arthur Danto.

2 . Luce Irigaray.

3 . Carolyn Korsmeyer.

4 . Visual Studies.

5 . making sense of taste.

پیش‌گفتار

در این کتاب تئوری‌ها و چارچوب‌های مفهومی را که در درون و پیرامون هنر و زیبایی‌شناسی به کار می‌آیند، بررسی می‌کنیم. به این درون‌مایه‌ها از دیدگاه فمینیستی می‌پردازیم، یعنی با پرداختن به نقشی که جنسیت در شکل‌دهی و کار بست ایده‌ها و اندیشه‌هایی بازی می‌کند که درباره‌ی کارهای هنری، آفرینش‌گری و ارزش‌های زیبایی‌شناسی است. این رویکرد بر این گمان است که انگاره‌ها^۱، بازنمایی‌ها^۲ و بازگویی استادانه ایده‌ها گذشته از زیبایی، هنروری و چیره‌دستی یا ارزش‌های درونی خود، چون نشان‌دهنده جایگاه و نیروی اجتماعی نیز هستند از ارزش فراوان برخوردارند. هر کجا که زور و نیرو یافت می‌شود در شیوه‌هایی که به کار می‌برد ناهمسانی‌هایی^۳ یافت می‌شود... و هنر، کار نوآورانه‌ای است که سکس و سکس‌گرایی، جنسیت و جایگاه اجتماعی همگی در آن نقش برجسته‌ای دارند. نیروی زیبایی‌شناختی بیشتر پنهان مانده و یا فروگذارده می‌شود؛ هر گاه کسی درباره‌ی ارزش‌های زیبایی‌شناختی بیان‌دیشد، وابسته دستوری^۴

1 . images.

2 . representanion.

3 . disparity.

4 . qualirier.

«محض»^۱ در بیشتر وقت‌ها پنهان می‌ماند، و یادآور این گمان است که ارزش‌های کاربردی یا اخلاقی نه تنها بر ارزش زیبایی‌شناختی برتری می‌یابند و از آن پیشی می‌گیرند بلکه به خوبی از شیوه‌ای که چیزی خود را می‌نمایاند، به چشم می‌آید و حس می‌شود یا شور‌ها و ایده‌ها و اندیشه‌ها را می‌رساند، جدایی‌پذیر هستند. برنامه‌های هنری در شمار نخستین رقم‌هایی هستند که از بودجه شهرداری برداشته می‌شوند آنها بیشتر همچون کمک‌رسانی برای «پر بار ساختن» زندگی اجتماعی رده‌بندی می‌شوند که می‌توان بدون زبانی هنگفت از برنامه زدود و می‌شود آن را با چشم‌پوشی از دسر سنجید بی‌آنکه هیچ مایه خوراکی لازم برای رشد و تندرستی از دست برود. این خطایی بس بزرگ است؛ هنر و ذوق زیبایی‌شناسی هر دو از ساختگران خود - انگارگی (تصور از خود)^۲ و کیستی (هویت) اجتماعی و ارزش‌های همگانی هستند.

رشته فلسفی زیبایی‌شناسی به هیچ روی تنها در تئوری‌های هنر و یا دریافت سنجش‌گرانه^۳ و لذت بردن از آن نمی‌گنجد. اکنون گذشته از اثر هنری، برخی از ساخته‌های دیگر را هم بیشتر برای ویژگی‌های زیبایی‌شناختی آن ارزشیابی می‌کنند. به همین دلیل، فلسفه‌ی هنر قلمروی کانونی را در تئوری زیبایی‌شناختی در بر می‌گیرد. «فلسفه‌ی هنر» گرایش بر آن دارد که همه‌ی هنرهای گوناگون را در خرد بگنجانند، هر چند واژه «هنر» کشدار است. در زبان انگلیسی مانند برخی از زبان‌های دیگر کاربرد تنگ و بسته‌ای دارد تا آنجا که به ویژه هنرهای گرافیک (نگاره‌ای) مانند نگارگری (نقاشی)، طراحی، یا چاپ دستی یا چاپ هنری را در

1. mere.

2. self-image.

3. critical reception.

برمی‌گیرد. و هرگاه کسی برای نخستین بار واژه «هنر» را بشنود شاید به یکباره هنر نقاشی را به یاد بیاورد. بیشترین زیبایی‌شناسی‌های فلسفی به سبب رخنه‌گری شناخت‌شناسی^۱ که به شیوه استانده در کندوکاو چگونگی دریافت و دانش، نمونه‌های دیداری را به کار می‌گیرد، از پیش گرایش یافته‌اند تا هنر را در چارچوب مدل نقاشی بررسی کنند. گذشته از آن، پژوهش‌های فمینیستی فراوانی درباره‌ی زنان در نقاشی و در فیلم انجام شده است. چنین سازه‌هایی می‌خواهند در تئوری زیبایی‌شناسی هنرهای دیداری کژراهه‌ای^۲ پدید آورند که این کتاب می‌کوشد از آن بپرهیزد، هر چند به سبب تأکیدی که در بررسی چگونگی دریافت هنر بر دیدار^۳ گذاشته می‌شود، از آن به طور کامل نخواهیم گریخت. هم چنین «هنر» همه‌ی کردارهایی را که در زیر ایده هنرهای زیبا دسته‌بندی می‌شوند، مرزگذاری می‌کند: موسیقی، تئاتر، رقص، شعر، نثر ادبی، پیکره‌سازی معماری و غیره. دیگر آنکه گاهی «هنر» به طور گسترده به کار گرفته می‌شود، آن چنان که فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی مردم پسند را هم در بر می‌گیرد، اما در زمان‌های دیگر این رسانه‌ها را فقط سرگرمی می‌نامند تا هنر راستین.

به همان گونه، کار دستی‌های خانگی و ساخته‌ی بشر را که در کشورهای غیرغربی ساخته می‌شوند گاهی همچون هنر رده‌بندی می‌کنند اما در بیشتر وقت‌ها برچسب جداگانه «کار دستی» به آن می‌زنند. پای‌بندی و سرسپردگی تئوریکی که پایه‌ی فرق‌گذاری میان هنر و سرگرمی، هنر و کار دستی است نیز در شمار مایه‌های پژوهشی این کتاب

1 . epistemology.

2 . skew.

3 . vision.

است. همه فرم‌های گوناگون هنر همگی برای موضوع این کتاب دارای اهمیت‌اند هر چند به همه‌ی آنها با وزن برابر پرداخته نمی‌شود. من بر چند فرم هنری پافشاری می‌کنم - بیشتر از همه بر نقاشی، موسیقی، ادبیات و نمایش - تا از آنها همچون مدل‌هایی بهره‌گیرم و نشان دهم که چگونه بررسی جنسیت می‌تواند در قلمرو هزارتوی زیبایی‌شناسی پیش رود.

هر چند بازگشت به جنسیت اکنون در گفتمان فمینیستی چیزی آشناست. هنوز بر سر دامنه‌ی این واژه بگومگوهایی برپاست. نویسندگان در سالیان نخستین فمینیسم امروزی در دهه ۱۹۷۰، میان «سکس» و جنسیت فرق می‌گذاشتند. واژه نخست اشاره بر دوگانگی بیولوژیکی در ریخت‌شناسی^۱ زادآورانهای^۲ زن و مرد داشت و واژه دیگر اشاره بر شیوه‌های بسیاری داشت که در آن، فرهنگ‌ها مردمان خود را به نقش‌های اجتماعی ناهمسان در می‌آوردند. اما هرگز آسان نبوده که درست جایی را پیدا کنیم که بیولوژی آن را رها کرده و فرهنگ فرمان آن را به دست گرفته باشد. به راستی نیز برخی از فمینیست‌ها بر این باور گرایش دارند که حتی خود سکس مقوله‌ای است که چیرستی آن اجتماعی است تا دهشی طبیعی. دیگر آنکه، حتی اگر بنیادی زیستمانی را برای چیرستی سکس بپذیریم، واژه‌ی «جنسیت» هرگز به نقش‌های اجتماعی که به مردان و زنان واگذار شده اشاره ندارد. ما همیشه واژگانی مانند «مردانه»^۳ و «زنانه»^۴ را واگذار شده به سیستم‌های ارزشیابی^۵ که از تک‌تک مردمان

1 . morphology.

2 . reproductive.

3 . masculine.

4 . feminine.

5 . systems of evaluation.

جنسیت‌گرایی پنهانی را نیرویی به ویژه پرکشش، بالای سر اندیشه می‌دانم زیرا می‌تواند بسیار آهسته و موزیانه باشد. در بیشتر وقت‌ها یا ناپیداست یا پیش پا افتاده می‌نماید؛ اما بررسی موشکافانه معناهای روش‌مندی (سیستماتیک) را آشکار می‌سازد که در شکل‌دهی ایده‌ها رخنه‌گری چشم‌گیری به کار می‌بندند. چند روش از جنسیت‌گرایی را می‌توان در مفهوم‌های زیبایی‌شناسی یافت، از جمله روشی کرداری^۱ که تنها در آن زمان که بازدارنده‌هایی راستین بر پا می‌شود آشکار می‌گردد، مانند نمونه‌ای که در زمان‌های گذشته برای زنانی بود که آرزو داشتند نگارگری یا پیکره‌سازی را بیاموزند اما به بهانه توانایی یا رفتار درست خود - پنداشته از رفتن به کارگاه‌های نگارگری بازداشته می‌شدند. شیوه‌ای مفهومی یا ایده‌ای^۲ هست که نگرش ما را شکل می‌دهد؛ و آن شیوه‌ای است که بیشتر این پژوهش‌نامه را در بر می‌گیرد و شیوه‌ای هم هست که برخوازش و آرزو^۳ و خیال‌بافی^۴ نیروی خود را به کار می‌برد که بیشتر در مُد و گزینه شخصی - نقشی‌هایی که کسی می‌پندارد که برگزیده، آشکار می‌گردد. هیچ یک از این شیوه‌ها نمی‌توانند به کلی از هنجارهای زیبایی‌شناسی سنتی بُریده شوند. لایه‌های چندگانه‌ای که جنسیت در آن و پیرامون مفهوم‌های هنر و زیبایی‌شناسی کار می‌کند روشن می‌سازد که چگونه بررسی‌های کانونی فمینیستی باید فرهنگ را به گونه‌ای فراگیر درک کند.

بررسی من در مفهوم‌های بنیادین در تئوری زیبایی‌شناختی مانند هنر، هنرمند، زیبایی‌شناختی، ذوق و پسند، زیبایی و والایی و

1 . practical mode.

2 . conceptual mode.

3 . desire.

4 . fantasy.

شکوه^۱ دور می‌زند. اینها بخش‌های سازنده‌ی دستگاه زیبایی‌شناسی فلسفی هستند که در هر کجا که هنرمندان می‌آفرینند، خرده‌گیران خرده می‌گیرند، و تماشاگران دریافت می‌کنند و خوششان می‌آید، کار می‌کنند. در همان زمان این رشته هرگز تنها از دیدگاهی تک‌رشته‌ای پیشرفت نخواهد کرد، و بیشتر روند فکری من به کوشش‌های چند دهه‌ی پیشین دانشمندان در رشته‌های گوناگون که رویه‌هایی را بررسی کردند که زنان را از رشته‌های هنری گوناگون بیرون رانده و یا به گونه‌ای در شرکت زنان در آن و یا به رسمیت شناختن آنها اثر بد گذاشته است، بسیار وام‌دار است. من، تنها به پاره‌ای از این دانشوری‌ها اشاره کرده‌ام، و یادداشت‌ها و کتاب‌شناسی را به گذار به این ادبیات گسترده را به خواننده نشان می‌دهند. بسیاری از این پژوهش‌گران در آرشیوها به کندوکاو پرداخته و به دنبال دست‌نوشته‌ها و متن‌ها گشته‌اند، آنچه در موزه‌ها گردآوری شده را دوباره دیده‌اند، به آفرینش هنری در کاردستی‌های خانگی پرداخته‌اند و از اندیشه‌های دیرینه و پا برجای در ادبیات، رقص، تئاتر، موسیقی، معماری، تاریخ هنر، سینما و عکاسی خرده گرفته‌اند. هم چنین دانشمندان در این رشته‌ها داده‌های فراوانی درباره‌ی اینکه چگونه خود جنسیت در محیط‌های هنری ساخته شده، یافته‌اند. پژوهش‌های فرهنگی به توانمندی فرهنگ مردم‌پسند نیز پرداخته است، که یادآوری شود که نباید سینما و تلویزیون، موسیقی مردم‌پسند و آگهی و مد را فراموش کنیم و همچنین نباید ماندگاری و پابندگی هنجارهای زیبایی‌شناختی را در جنبه‌های دیگر زندگی مانند نیروی پنهان نمادهای فرهنگی^۲، آوازه‌خوانان و هنرپیشگان نادیده گرفت. چنین نمایشگرانی بیشتر،

فرآورده‌ی هنری را با آرزوها و پندارهای مردم پیوند می‌دهند، و آن‌ها بیشتر از آنچه می‌خواهیم ما را برمی‌انگیزند که روی دیگری از زیبایی شناختی است.

هر کس شاید پیش‌بینی کند که در چنین پژوهشی، هنری که زنان به امید دست یافتن به گونه‌ای زیبایی شناختی زنانه پدید می‌آورند و در روند کارهای آفرینش‌گرانه زنان همچون گونه‌ای سنت‌ستیزی زیرزمینی در برابر هنجارهای فرهنگی فرمانروایی «مردانه» بوده، نیز بررسی خواهد شد. گاهی دانشمندان دیدگاه‌های زنانه‌ی رویاروی فرهنگ فراگیر زمانه را در درون جنبش‌های هنری ویژه‌ای جای می‌دهند، هر چند تلاش برای فراگیر ساختن^۱ گسترده‌تر هنر زنان، در میان دانشمندان فمینیستی گفتگوهای تند و تیزی پدید آورده است. نه تنها گوناگونی هنری آفریده‌ی زنان فراگیری سبکی را بر نمی‌تابد بلکه نمی‌توان آن را دارای سبک واحدی دانست [چندگونگی خود زنان نیز کلیت بخشی را نمی‌پذیرد. زنان طبقه‌ای جداگانه و با فرهنگی جدایی‌پذیر از گروه‌های اجتماعی بزرگ‌تر - بیش از آنچه مردان هستند - نیستند. بافت درهم کیستی^۲ فردی و گروهی همیشه جایگاه تاریخی و سازه‌های اجتماعی مانند طبقه، دین و آیین، ملیت، نژاد و قوم را در بردارد؛ اینها با جنسیت و کیستی جنسی در می‌آیند تا کلیت بخشی درباره کارهای آفرینش‌گرانه همه زنان را دشوار سازند.

علاوه بر هنر، خود فمینیسم به دوران‌دیشی^۳ همسانی نیازمند است. واژه «فمینیست» خواه بر شمارنده جنبشی سیاسی، دیدگاهی در دانشگاه،

1 . generalize.

2 . identity.

3 . caution.

آگاهانه به میراث گذشته می‌اندیشند و آن را به کار می‌گیرند تا برای اکنون و آینده سخن بگویند. تلاش آنان در یافتن دو رویکرد جداگانه فلسفی جای گرفته است: پی‌ریزی انگاشت‌های همگانی هنر در چارچوب روش دیرینه تحلیلی^۱ که بیشتر فلسفه‌های انگلیسی - آمریکایی را دربرمی‌گیرد، و کندوکاو ذهن‌گرایی و جنسیت در جنبش‌هایی که از روانکاوی اثر پذیرفته و در پاره‌ای از تئوری‌های پُرخنه اروپایی گنجانده شده است. تلاش‌هایی که برای مرزگذاری هنر انجام گرفته در بخش پنجم آمده است، که به ویژه به زیرپا گذاشتن مفهوم‌های سنتی هنر با بهره‌گیری از ضد هنر^۲ و به پاسخ‌های فلسفی به این دگرگونی‌های تاریخی پرداخته است. یاری فمینیست‌ها به بازنگری اندیشه‌ها درباره‌ی هنر، در پیوند با نخستین جنبش‌های ضد هنر و در اندیشه‌های فلسفی امروزی درباره سرشت هنر، به چشم می‌خورد. در بخش ششم به ویژه داشت دانسته و سنجیده و تئوری فلسفی از سوی فمینیست‌ها برای ساخت هنر پرداخته می‌شود، توجه ویژه‌ای به بُن‌انگاره‌ها (فرضیه‌ها) درباره ساخت جنسیت و خواست جنسی^۳ که هنرمندان فمینیست و پسافمینیست آن را به کار برده‌اند، خواهد شد.

در این بخش‌ها درباره تئوری‌های امروزی از دو دبستان اندیشه‌ای که هم‌اورد یکدیگر به شمار می‌آیند گفتگو خواهد شد: رویکردهای تحلیلی و پساتحلیلی که بیشتر از ویژگی‌های فلسفه‌ای کشورهای انگلیسی‌زبان بوده که در زمینه تئوری‌های همگانی هنری نوشتارهای بزرگی پدید آورده است؛ و رویکردهای پسامدرن اروپایی‌های قاره‌ای که از ساخت‌شکنی^۴ و

1 . analytic.

2 . anti - art.

3 . sexual desire.

4 . deconstruction.

روانکاوی بهره می‌گیرند، که بر شمار فراوانی از نظریه‌پردازان هنری فمینیست و همچنین بر هنرمندان کارورز اثر گذاشته است.^۱ هر چند، گاهی این دبستان‌های اندیشه‌ای دگرگونه، انگار همانندی چندانی با هم ندارند به گمان من درباره هم چشمی و هم‌آوری آنها گزافه‌گویی کرده‌اند. در اینجا من با گوشزد کردن ریشه‌های مشترک آنها و با پافشاری بر پیوستگی تاریخی پرسش‌هایی که آنها، آن را دنبال می‌کنند و بر همانندی آنها پافشاری می‌کنم. درون‌مایه‌هایی که من برمی‌گزینم تا روش‌های مشترک آنها را روشن سازم درباره پاره‌ای از چالش‌برانگیزترین ارزش‌های زیبایی‌شناختی است که هنر می‌تواند آن را نشان دهد: نمونه برین دیرینه^۲ بر بنیاد ترس و هراس، و نمونه‌های

۱. پیش‌وند Post (پس از - پس) که من در بالا در واژه 'Postanalytic' به کار برده‌ام درست است. گاهی افزودن این پیش‌وند به یک واژه، رد کردن یا بازنگری گذشته را می‌رساند، اما هم چنین نشان‌دهنده‌ی پیشرفتی برگرفته از جنبش یا سنتی است که به جای رد کردن، آن را ارج می‌نهد. زمانی که من به فلسفه پس - تحلیلی اشاره می‌کنم می‌خواهم فلسفه امروزی را در سنت تحلیلی برشمرم که دقت و سخت‌گیری خود را در رابطه با علم نگه داشته اما مرزهای خود را به روش‌ها و درون‌مایه‌های فراتر از تحلیل مفهومی تنگ‌بینانه و غیرتاریخی که ویژگی فلسفه تحلیلی در میانه سده بیستم بوده گشوده است. (من همه فلسفه‌های فمینیستی به روش تحلیلی را پس - تحلیلی برمی‌شمارم) هنر پس - فمینیستی هرچند به آن آسکارگی هنر دیرینه‌تر فمینیستی، سیاسی نیست، چنانکه گاهی جنس‌گرایی را به روشی خیال‌بافانه‌ی خنده‌آور و یا بازیگوشانه دنبال می‌کند کمتر فمینیسم را رد می‌کند. Post یا پسایی که پُرتب و تاب‌ترین شناخت‌ها را دریافت کرده در واژه پس - مدرن است، نام‌گذاری که بر جدایی یا رد کردن بسیاری از باورهای بنیادین و ارزش‌های سبکی عصر روشنگری اروپایی مدرن اشاره دارد، اما همچنین می‌توان آن را دربردارنده ایده‌هایی دانست که در درون خود مدرنیسم یافت می‌شود.

فراخوان بیزاری امروزین به سان پیامدی زیبایی‌شناسانه در برخی از بیشترین هنرهای برخوردگرایانه و سرسختانه فمینیستی.

بیشتر هنرهای فمینیستی ارزش‌های زیبایی‌شناختی زنانه را که در زمان‌های پیشین آن را می‌ستودند از جمله خود مفهوم پایه‌ای زیبایی را کنار می‌گذارند، به راستی نیز بسیاری از هنرمندان فمینیست ایده زیبایی را زیر و رو کرده‌اند و در روند آشکار ساختن، پرسش کردن، و یا بی‌پایگی کیستی زنانه را نشان دادن، به آزمون برانگیختن بیزاری و حس‌های ناراحت‌کننده دیگر پرداخته‌اند. اما فراگیری بیزاری در هنر امروز بیش از خرده‌گیری از آرمان‌های سنتی زیبایی است، زیرا روی هم‌رفته برگشتی از پافشاری بر فلسفه و روی آوردن به درون‌مایه‌های «بدنی» را نیز نشان می‌دهد، که دیرگاهی همتای زیردست «ذهن» بوده است. فلسفه از روی سنت، ذهن - آستره، بی‌همراه تن و کالبد (غیرفیزیکی)، و اندیشه‌ورز را بر تن - دیداری (عینی)، مادی و حسی برتری می‌داده است هر چند این ساختار ارزشی کهن با اندیشه‌های تازه فلسفی فرسایش یافته و یکی از چند نیرویی که کار را به اینجا کشانده نقد فمینیستی بر پذیرفتنی بودن جدایی ذهن - تن بوده است. این چالش آن چنان که در زیبایی‌شناسی پدیدار شده یکی از درون‌مایه‌هایی است که روند پیشرفت آن در این کتاب دنبال شده است، که از نقدهای تئوری‌های زیبایی‌شناسی گذشته آغاز می‌شود و به پدید آوردن اندیشه‌های تازه درباره آفرینندگی و هنر بر پایه بدن، خواهش‌های آن، و جایگاه اجتماعی و تاریخی آن می‌انجامد. در پایان بررسی تن و ویژگی‌های فیزیکی آن، می‌توانیم تلاش فمینیست‌ها را برای پیشبرد ایده‌ها درباره هنر و زیبایی‌شناسی هم در تئوری و هم در کارورزی هنری ببینیم.